

اسید پاشی

اسیدپاشی یکی از انواع شدید خشونت بوده که بیشتر علیه زنان صورت گرفته و ممکن است در مواردی منجر به مرگ قربانی نیز شود. اسیدپاشی حمله‌ای است که نه به قصد قتل، بلکه معمولاً برای انتقام و نابودگی زندگی اجتماعی و آینده قربانی انجام می‌شود. اسید ماده‌ای است که قرن‌ها از شناخت آن می‌گذرد، اما به نظر نمی‌رسد که پدیده اسیدپاشی قدمتی بیشتر از صد و پنجاه سال داشته باشد. اسید مورد استفاده بیشتر اسید سولفوریک، اسید کلریدریک، اسید نیتریک و سود سوزآور (هیدروکسید سدیم) است، البته این ماده آخری از نظر شیمیایی در زمره اسیدها قرار نمی‌گیرد.

برای ترمیم محل اسیدپاشی باید شخص آسیب دیده از مواد پروئینی زیاد استفاده کند

کشورهای درگیر

اسیدپاشی در کشورهایی که از نظر توسعه اجتماعی و اقتصادی در وضعیت خوبی نیستند و شکاف جنسیتی و خشونت علیه زنان و کودکان در آنها زیاد است بیشتر دیده می‌شود. این پدیده در کشورهای زیادی در دنیا دیده می‌شود و در کشورهایی که شایع‌تر است، یعنی کشورهای جنوب آسیا، سابقه‌ای بیشتر از پنجاه سال ندارد. در افغانستان، در دوران حکومت طالبان مدرسه‌های دخترانه تعطیل شده و اسیدپاشی بر صورت دختران مدرسه‌ای مرسوم شده بود در بنگلادش اسیدپاشی معمولاً شکلی از خشونت خانگی است. در ایران تقریباً در ۹۰ درصد موارد اسیدپاشی، قربانی زنان هستند. برخی از خواستگاران که در روابط عاشقانه شکست می‌خورند با اسیدپاشی بر صورت زن موردنظرشان (به قصد تخریب زیبایی وی) انتقام‌گیری می‌کنند. برخی از کارشناسان قوانین مربوط به اسیدپاشی را به اندازه کافی بازدارنده نمی‌دانند. از کشورهای بنگلادش، هند، پاکستان، کامبوج، ویتنام، لائوس، هنگ‌کنگ، چین، بریتانیا، آفریقای جنوبی، اوگاندا، جامائیکا و اتیوپی به عنوان کشورهایی نام برده می‌شود که این رفتار تهاجمی بیشتر در آن دیده می‌شود. این پدیده در ایران و افغانستان و عربستان سعودی و عراق هم وجود دارد.

آسیب‌های روحی و بدنی فرد قربانی

اسیدپاشی آسیب شدیدی به قربانی وارد می‌کند که معمولاً ماندگار است و علاوه بر آسیب‌های جسمی ماندگار از جمله نابینایی، می‌تواند آسیب‌های روانی جدی مثل افسردگی، اختلال تنش‌زای پس از رویداد (PTSD)، اضطراب، حملات اضطرابی، اختلالات خوردن و حتی اعتیاد و خودکشی را به همراه داشته باشد. اسید به علت خاصیت خورندگی و گرمایی که ایجاد می‌کند به بافت‌ها آسیب می‌زند. معمولاً صورت قربانی هدف اسیدپاشی قرار می‌گیرد. غالباً خطر مشکلات تنفسی، عفونت خون (سپتیسمی)، نارسایی کلیه و نهایتاً مرگ قربانیان اسیدپاشی را تهدید می‌کند. اسید باعث مرگ بافت (نکروز) و سوختگی آن می‌شود، بعد

از از بین بردن پوست، چربی زیر پوست را حل کرده و به عضلات و حتی استخوان نفوذ می‌کند. در حمله به صورت، معمولاً پلک و مژه و لبها کاملاً از بین می‌روند و بینی و گوش هم ممکن است کاملاً تخریب شود. شدت ضایعه به نوع و غلظت اسید، مدت زمانی که پس از حمله، شستشو و رقیق شدن شدن اسید انجام می‌شود، و سرعت انتقال قربانی به مرکز تخصصی بستگی دارد.

قربانیان

مهناز کاظمی به دلیل دادن دادخواست طلاق، توسط شوهرش مورد حمله اسیدپاشی قرار گرفت. او ۲۱ بار صورتش را عمل جراحی کرده و پزشکان برای ساختن بینی یک ماه دست چپ وی را به صورتش وصل کرده بودند. محمد مصطفایی وکیل دادگستری وکالت وی را به صورت رایگان به عهده گرفت و توانست پس از سه ماه از زمان وقوع جرم مقدمات دستگیری همسر فراری مرتکب جرم را فراهم کند. مهناز اکنون به صورت ناشناس با دو دختر خردسالش در محلی مخفی زندگی می‌کند.

آمنه بهرامی یک مهندس الکترونیک است که بعد حادثه اسیدپاشی، با وجود ۱۷ بار عمل جراحی، بینایی و پوست صورتش را از دست داد. خواستگار او به دلیل شنیدن «جواب نه» به صورت آمنه اسید پاشید.

سارا، دختری ۲۶ ساله بود که مردی موتورسوار در خیابان راه را بر او بست و بر صورتش اسید پاشید. سارا به بیمارستان منتقل شد اما درگذشت. انگیزه اسیدپاشی و هویت موتورسوار فلش نشد.

داریوش اقبالی خواننده ایرانی از قربانیان اسیدپاشی بوده‌است.

سید داوود روشنایی، در سال ۸۴ به دست یک مرد ناشناس و به دلایل نامعلومی قربانی اسید پاشی شد. او در این حادثه چشم چپ خود را از دست داد و گردن، قسمت‌هایی از قفسه‌سینه، دست و پایش نیز در این حادثه دچار صدماتی شد این درحالی است که چشم راستش نیز دارای بینایی ۲۰ درصدی است.

بامداد اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ مردم روستای «برات‌آباد» شهرستان بم با صدای فریادهای «کمک» زنی جوان به نام سمیه روبرو شدند که بلند فریاد می‌زد: «سوختم» و از مردم درخواست آب می‌کرد. هرچند همسایه‌ها در لحظات اولیه تصور می‌کردند که این زن ۲۴ ساله دچار برق‌گرفتگی شده‌است، اما هنگامی که صورت تخریب شده او و دختر دو و نیم ساله‌اش رعنا را دیدند متوجه شدند که این زن قربانی اسیدپاشی شوهر معتادش شده‌است.

در ایران کارشناسان معتقدند که بسیاری از موارد اسیدپاشی مشخص نمی‌شود، مواردی که در مناطق دورافتاده اتفاق می‌افتد، مواردی که شدت و وسعت جراحات کم است و مواردی که به دلایل مختلف بدرستی گزارش نمی‌شوند.

پژوهش‌های مربوط

یکی از محدود پژوهش‌ها در این زمینه، در مدت شش سال، از خرداد ۱۳۸۳ تا مهر ۱۳۸۹، بر روی ۵۹ مورد اسیدپاشی در بیمارستان سوختگی مطهری تهران انجام شده است.

بر اساس این پژوهش ۵۱ درصد قربانیان مرد و ۴۹ درصد زن بودند و پنج نفر از آنها زنده نماندند. صورت و نواحی فوقانی تنه بیشتر از هر جای دیگری هدف حمله قرار گرفته بودند و اسیدپاش معمولاً یکی از اعضای نزدیک خانواده یا بستگان بوده است.

بیشترین دلیل اسیدپاشی، خواستگاری ناموفق، رابطه خارج از چارچوب ازدواج یا درخواست طلاق بود. عواملی مثل فقر، وضعیت بد اجتماعی و اقتصادی و کلاهبرداری مالی هم از دیگر عوامل شایع بودند.

بیشتر قربانیانی که در این تحقیق بررسی شدند (۷۱ درصد) متاهل بودند. نیمی از زنان هدف حمله شوهر یا بستگان دیگر قرار گرفته بودند و بقیه آنها هدف افراد غریبه.

مردان قربانی نیز در بیشتر موارد هدف حمله افراد غریبه (۳۶٪)، نامعلوم (۳۵٪)، در حین دعوا (۱۷٪) یا قربانی حمله همسرشان (۱۲٪) بودند.

متوسط سن قربانیان ۳۶ سال و متوسط سوختگی ۳۰ درصد بود. اکثر قربانیان مرد مجرد و اکثر قربانیان زن متاهل بودند.